



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَعَلَى عَلِيٍّ وَآلِ عَلِيٍّ

# مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی

دکتر سید حسین عبادی

بهارن ماه (۱۴۰۱)



( دکتر  
عبادی )

# سرفصل درس

نام فارسی درس: مبانی فلسفی برنامه های درسی ایران

Philosophical Foundations of Curriculum in Iran

نام انگلیسی درس:

تعداد واحد: ۲

تعداد ساعت: ۳۲

نوع درس: اختیاری

نوع واحد: نظری

پیشنیاز: ندارد

آموزش تکمیلی عملی: دارد  ندارد  سفر علمی  کارگاه  آزمایشگاه  سمینار

هدف درس:

بررسی و تحلیل اسناد برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران از حیث جهت گیری های کلی نظری و فلسفی -تبیین رویکرد برنامه ها با توجه به ارزش های شناخته شده و مستند سازهای واقعی و انتظارات شناخته شده ی جامعه ی حال و آینده

تبیین جهت گیری های کلی اسناد در تولید برنامه، تهیه و تولید و سازمان دهی محتوا و منابع و رسانه ای -بررسی شیوه های بهینه انطباق برنامه ها . مبانی فلسفی شکل دهنده آن به استناد امکانات، شرایط و واقعیات جامعه انتظار می رود دانشجویان با گذراندن این درس، شناسایی اسناد مختلف در زمینه برنامه درسی ایران و تحلیل رویکردهای فلسفی شکل دهنده به آن و نقد و ارزیابی رویکردهای به دست آمده مذکور از حیث پاسخگویی به مسائل، شرایط و واقعیات جامعه



دکتر  
عبادی



# سرفصل درس

سرفصل درس:

نظری:

-شناسایی مبانی فلسفی شکل دهنده به اسناد برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران  
-مستند سازهای واقعی و انتظارات شناخته شده ی جامعه ی حال و آینده در برنامه درسی ایران  
-تعیین جهت گیری های کلی اسناد در تولید برنامه، تهیه و تولید و سازمان دهی محتوا و منابع و رسانه ای  
-بررسی شیوه های بهینه انطباق برنامه ها و مبانی فلسفی شکل دهنده آن به استناد امکانات، شرایط و واقعیات جامعه

عملی:

-بررسی تاریخی تحولات برنامه درسی ایران  
-تحلیل کتابهای درسی و استنتاج مبانی فلسفی برنامه درسی رایج

-آشنایی با رویکردتالیف و تهیه محتوا

-مقایسه برنامه درسی ایران و سایر نظام های آموزشی از حیث مبانی فلسفی برنامه درسی



دکتر  
عبادی

# سرفصل درس

منابع:

موسی پور، نعمت اله و همکاران، (۱۳۸۳) سنت‌ها و مشکلات تصمیمگیری در نظام برنامه ریزی درسی ایران، در: قلمرو و چشمانداز برنامه‌ریزی درسی در ایران، تهران: سمت.

نائینی، محمد کاظم (۱۳۶۲) تاریخچه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی-تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، نشریه شماره ۱۰۰، ص ۶

وزارت فرهنگ (۱۳۱۷) برنامه تحصیلات ابتدایی، مجله تعلیم و تربیت، سال هشتم، ۱۰۲۰ - شماره ۳ و ۴، تهران، ص ۷  
مجیدی، موسی (۱۳۶۴) تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران: از دارالفنون تا به امروز، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴

کاردان، علی محمد (۱۳۸۳) سیر دانش آموزش و پرورش در ایران معاصر، در: مجموعه مقالات همایش ایران شناسی، تهران: بنیاد ایران شناسی.

یاقوبی، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران: فلسفه برنامه درسی، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.



دکتر  
عبادی

# سرفصل درس

Slattery, P. (2010). Curriculum development in a postmodern area: Teaching and learning in an age of accountability. London: Routledge.

Jacobs, H. H. (2010). Curriculum 21: Essential education in a changing world. Virginia USA: ASCD.



# مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی



در این ترم علاوه بر توجه به منابع مرتبط با فلسفه برنامه درسی ایران از جمله دو کتاب یاد شده ؛ ۱۱ مقاله مرتبط با مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی ایران نیز مورد نقد، بررسی و واکاوی و تدریس قرار خواهد گرفت . دکتر عبادی



[ دکتر  
عبادی ]



# فلسفه و برنامه ریزی درسی

زندگی خوب چیست ؟  
جامعه خوب کدام است ؟

دانش مطلوب چیست ؟ پاسخ به این پرسش ها ، نحوه عمل برنامه ریز و معلم را تعیین می کند .

- فلسفه روی جنبه های اساسی برنامه درسی تأثیر می گذارد . تایلر کاربرد نظریات فلسفی در برنامه ریزی درسی را جهت تدوین اهداف آموزشی مورد تأکید قرار می دهد و معتقد است که فلسفه تعلیم و تربیت برای تطفیل یا بیان دقیق هدف های تربیتی به کار گرفته می شود ( شریعتمداری ، ۱۳۷۸) . پیترز در زمینه نقش فلسفه تربیت در تعیین اهداف برنامه درسی ، می نویسد: «فلسفه تعلیم و تربیت می تواند ، به دنبال طراحی ماهیت و روابط متقابل هدف های عینی باشد و از این رو می تواند نشان دهد که کدام نوع انتخاب ضرورت دارد پس آن چه در برنامه درسی به آن نیازمندیم درک ساختار یا الگوی روابط حاکم بر هدف های عینی مورد نظر است» (پیترز ، ۱۹۷۵) .
- فلسفه تعلیم و تربیت در باره ارزش تدریس ، یادگیری موضوعات اولویت دار و ارزشمندی هر موضوع بحث می کند . به گفته توماس هاپکینز «فلسفه تعلیم و تربیت در هر تصمیم گیری مهم که در مورد برنامه درسی و آموزش در گذشته به عمل آمده و در آینده اتخاذ خواهد شد ، دخالت داشته و دارد . گودلد خاطر شان می کند که فلسفه «تعلیم و تربیت نقطه شروع طراحی برنامه درسی و پایه تصمیمات بعدی است . همچنین سوتو ، از فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان عنصر اساسی در تعیین اهداف دقیق آموزشی نام می برد ( شریعتمداری ، ۱۳۷۸ : ۱۶) .
- برنامه ریزی درسی مسائلی چون ؛ شناخت فراگیر ، برنامه درسی ، روش های تدریس ، رابطه معلم و شاگرد ، اهداف ، عناوین محتوا و دروس را مورد بحث و بررسی قرار می دهد . فلسفه های تعلیم و تربیت درباره هر کدام از موارد یاد شده دیدگاه های خاص دارند که به برنامه ریز یا معلم کمک می کند تا تصمیمات آگاهانه تری اتخاذ نماید .





# فلسفه و برنامه ریزی درسی

- آنچه یک معلم در فرایند تربیت یا فرایند یاددهی - یادگیری به عنوان فعالیت های کلاسی انجام می دهد به طور مستقیم با مسائل نظری فلسفی برخاسته از حیطه های سه گانه معرفت شناسی، هستی شناسی و ارزش شناسی نیستند، بلکه علاوه بر آن ها شامل مسائل دیگری نیز می شود که خاستگاه های مختلفی دارند. اما باید در نظر داشت که بدون توسل به مسائل کلی فلسفی نمی توانیم تبیین درستی از سیاست ها و خط مشی های تربیتی داشته باشیم یا سیاست ها و هدف های موجود را مورد ارزشیابی و نقد قرار دهیم و در نهایت، برای فرایند تربیت هدف و روش انتخاب کنیم.
- فلسفه تربیت پرسیدن پرسش هایی است برای رسیدن به راه رسم تربیت درست، منسجم، پیوسته و هماهنگ و جلوگیری از تضاد و تناقض در نظر و عمل مربیان و متخصصان تربیتی. پرسش هایی نظیر: ماهیت زندگی خوب که قصد تربیت نیل بدان است چیست؟ آیا تربیت امری ضروری است اگر تربیت یک جریان اجتماعی است ماهیت جامعه چیست؟ ماهیت معرفت چیست؟ و سؤال های دیگر (ابراهیم زاده، ۱۳۸۸).
- اسمیت، استانلی و شورس بر نقش فلسفه تعلیم و تربیت در برنامه درسی اشاره کرده معتقدند که در مواقع زیر، با فلسفه تعلیم و تربیت، سروکار داریم؛
  ۱. اهداف تربیتی تنظیم و حقیقتاً درست دانسته می شوند.
  ۲. محتوا انتخاب و سازماندهی می شود.
  ۳. اقدامات پایه ای و فعالیت ها تنظیم می گردد.
- دیوئی فلسفه تعلیم و تربیت را تئوری «عمومی تعلیم و تربیت» می داند. به نظر او اگر تعلیم و تربیت، فرایند ایجاد گرایش های بنیادی، عقلانی و عاطفی نسبت به طبیعت و هموعان بدانیم در این صورت حتی می توانیم فلسفه را به عنوان «نظریه عمومی تعلیم و تربیت» تعریف کنیم. بنابراین فلسفه تعلیم و تربیت نه تنها نقطه شروع بلکه پایه و اساس همه فعالیت های برنامه درسی است.
- آموزش و پرورش انسان گرایانه از آموزشی حمایت می کند که «رشد مفهوم از خود» و «رشد فردی احساسات» را در دانش آموزان، تقویت و تشویق کند. در این الگوها انتظارات به نحوی تدوین می شود که تمام دانش آموزان بتوانند به آن دست یابند و معلمان باید دانش آموزان را به کشف عقاید به صورت آزادانه، طرح پرسش های باز و ایجاد احساسی خوب و مثبت درباره تجربیات یادگیری شان تشویق کنند (مایرز و مایرز، ۱۹۹۰).



# فلسفه و برنامه ریزی درسی

- برای اینکه تصمیم ها و فعالیتهای مرتبط با برنامه ریزی درسی ، آگاهانه ، منطقی و عملی باشند ، بایستی برپایه اصول ، معیارها و ضابطه های معتبری استوار باشد.
- این اصول و معیارها را می توان از نتایج و یافته های پژوهشهای انجام شده در زمینه ها و رشته های مختلفی بدست آورد تا اساس و بنیادی عقلانی برای برنامه ریزی درسی ایجاد کنند.
- مطالعه و کاربرد اصول ، قوانین و یافته های علمی در زمینه های فلسفی ، روانی و اجتماعی ، برنامه درسی را متکی به مبانی علمی خواهد کرد. آگاهی و تسلط معلمین و برنامه ریزان بر این مبانی ، ضامن موفقیت کار آنها، بهبود آموزش و یادگیری و نهایتاً افزایش کارایی نظام آموزشی و پرورش مطلوب فراگیران خواهد شد.
- فلسفه یکی از ارکان اساسی زندگی بشر در طول تاریخ است و در تمام فعالیتهای زندگی وی نقش اساسی دارد. هر جا که انسان مجبور است تصمیم گیری نماید، انتخاب کند ، یا با موقعیت دشوار روبرو شود مجبور است از فلسفه استفاده کند . استفاده از فلسفه در امور زندگی همیشه جنبه ی خود آگاهی و ارادی ندارد و در بسیاری از اوقات زندگی ما بی اختیار و به صورت خودکار مسایل را تحلیل کرده و شقوق مختلف را بررسی و اقدام می کنیم . در حالی که اگر از خود ما بخواهند این فعالیت ذهنی را که انجام داده ایم حلیل و بیان کنیم ، ممکن است نتوانیم این کار را بکنیم.
- فعالیتهای تربیتی هم از جمله فعالیتهای زندگی است که خواه ناخواه متأثر از فلسفه است. یک معلم و مربی هم به عنوان یک انسان ، خود آگاه یا ناخود آگاه در بسیاری از اقدامات و فعالیتهای تربیتی خود از فلسفه استفاده می کند.
- بنابراین فلسفه، مبنای مهمی برای برنامه ریزی درسی است . زیرا بطرق مختلف بر اهداف ، مقاصد ، محتوا و سازمان برنامه درسی تاثیر گذاشته و تعلیم و تربیت ، مربیان و کارکنان آموزشی را تحت تاثیر قرار می دهد.
- باتر در تعریف فلسفه چنین می گوید: (( فلسفه، نظامی از مفروضات بهم مرتبط است که بطور آگاهانه یا ناخود آگاه معتقدیم آنقدر اساسی و کلی هستند که شایستگی و توانایی عمل در هر حوزه ای را دارند. ))



# فعالیت های تربیتی و فلسفه

در فعالیتهای تربیتی زیر فلسفه بطور مستقیم دخالت دارد:

۱- تنظیم اهداف و مقاصد تربیتی: تنظیم اهداف آموزشی بشدت متأثر از تعریف فرد از جهان و انسان است. اینکه مربی یا برنامه ریز با چه دیدگاهی به جهان و انسان بنگرد و مفروضات متافیزیکی او چه باشد اهداف و مقاصد تربیتی راتحت تاثیر قرار می دهد.

۲- انتخاب و سازماندهی دانش :

انتخاب و سازماندهی دانش، از جمله فعالیتهای یک برنامه ریز است. اما او باید ابتدا باید روشن کند که از دیدگاه او دانش چیست؟ محتوای تربیتی و درسی برتر و ارزشمند از نظر او چه محتوایی است و ملاکهای گزینش آن چیست؟ پس از پاسخ به این سوالات او اقدام به انتخاب و سازماندهی دانش می کند.

۳- تنظیم فعالیتهای و انتخاب روش ها و راهبردهای آموزشی:

تعیین اینکه بهترین روش آموزش کدامست تابعی است از اینکه منظور ما از شناخت و یادگیری چیست؟ همچنین باید ابزار شناخت و روش و راهبرد بدست آوردن شناخت و یادگیری را که نظر ما ترجیح داده می شود و با اهداف تربیتی و تعریف ما از شناخت متناسب است مشخص سازیم.

۴- تحلیل واژه ها ، کلمات و مفاهیم آموزشی:

یکی از فعالیتهای فیلسوفان تحلیل کلمات و واژه هاست. علوم و نظریه های علمی سرشار از مفاهیم و واژههایی است که بطور نظامدار و منطقی بهم ارتباط و انسجام دارند. یک مربی هم مانند یک فیلسوف باید بتواند در مباحث ، گفتگوها و آموزش خود ، مفاهیم و واژه ها را تحلیل کند و به عبارت دیگر معانی آن را روشن سازد و استدلال موجود در آنها را توضیح دهد تا بتواند تدریس و آموزش اثربخشی را اجرا کند.





# ارتباط برنامه درسی با فلسفه

در اینجا به ارتباط برنامه درسی و فلسفه اشاره خواهیم کرد که آن را می توان به سه صورت مجسم ساخت . در صورت اول و دوم فلسفه تعلیم و تربیت به معنی اعمال یا اجرای فلسفه در امور تربیتی است. در صورت سوم فلسفه به منزله تئوری یا اساس نظری و تعلیم و تربیت به عنوان عمل ، مورد توجه قرار می گیرد. به طور خلاصه در صورت اول و دوم فلسفه تعلیم و تربیت دو رشته مستقل تلقی می شوند و فلسفه تعلیم و تربیت اجرای آنچه در فلسفه مطرح است در جریانهای تربیتی می باشد. اما در صورت سوم فلسفه تعلیم و تربیت از یکدیگر جدا نیستند و دو جنبه یک امر را تشکیل می دهند.

۱- صورت اول: در این صورت فلسفه به عنوان رشته ای که درباره متافیزیک (واقعیت جهان)، معرفت آدمی و ارزشها بحث می کند با تعلیم و تربیت که رشته ای مستقل است و با معلم ، شاگرد، مواد درسی ، وسایل تعلیماتی ، روش تدریس، مدیریت و سازمان برنامه سروکار دارد ارتباط پیدا میکند. برای اینکه معلم بتواند این دو رشته را با هم مربوط سازد باید اطلاعات کافی در فلسفه داشته باشد و بانظریات فلسفی درباره ماهیت جهان ، اساس معرفت و مبانی ارزشها آشنا باشد. برنامه ریز در موقع تعیین محتوا، از طریق گنجاندن موادی مانند فلسفه ، متافیزیک ، منطق یا اخلاق ، دانش آموزان را در جریان آموزش ، با این موضوعات مرتبط سازد.



# ارتباط برنامه درسی با فلسفه

۲- صورت دوم: رابطه فلسفه با تعلیم و تربیت در این مورد به صورت اجرای روشهای فلسفی یا فعالیتهای فلسفی در برخورد به مسائل تربیتی ظاهر می گردد. برنامه ریزی درسی اجرای روشهای فلسفی یا فعالیتهای تحقیقی فلسفه را در جریان برنامه درسی مورد نظر قرار می دهد و تجربیاتی را ساز مانده می کند که در آن دانش آموز از روشهای استقرایی، دیالکتیکی، قیاسی و... استفاده کند.

در این نوع رابطه سازماندهی و وتدارک تجاربی که دانش آموزان بتوانند فعالیتهایی چون تحلیل مفاهیم و افکار، انتقاد، ارزشیابی نظرات و تفسیر عقاید و چگونگی تشکیل ارزشها را تجربه کنند، مورد توجه برنامه ریزان است. وظیفه برنامه ریزان درسی سازماندهی و هدایت فرصتهای تربیتی است که دانش آموزان از طریق آنها به این هدف مهم نائل شوند.

۳- صورت سوم: در این نوع رابطه فلسفه به عنوان تئوری و برنامه ریزی درسی به عنوان عمل تلقی می شود. فلسفه فرد را از لحاظ نظری فرد را با جهان و انسان آشنا می سازد و گرایش و تمایل خاصی در او بوجود می آورد که تقویت این گرایش یا تمایل، کار تعلیم و تربیت یا قسمت عملی فلسفه است. هر عمل تربیتی و در هر برنامه درسی که تدوین می شود پایه ای از فلسفه نهفته است.

برنامه ریز بایستی انواع مقولات فلسفی و مفروضات آنها را بشناسد تا بتواند برنامه خوبی برای هدایت رشد دانش آموزان، طراحی و ساماندهی کند. بنابراین لازمست انواع مقولات فلسفی و مفروضات در هر کدام از مکاتب مختلف فلسفی مورد بررسی قرار گیرد و ارتباط بین این مقولات و برنامه ریزی درسی روشن شود.



# اصول فلسفی برنامه درسی

- ۱- برای اینکه برنامه ریزی درسی، امری آگاهانه و عقلانی باشد، نیاز به مطالعه فلسفه و رابطه آن با ارکان برنامه درسی دارد.
  - ۲- فلسفه در تمام فعالیتهای روزمره انسان و بویژه در تصمیمات تربیتی و فعالیتهای درسی نقش اساسی دارد.
  - ۳- فلسفه بعنوان تئوری و برنامه درسی به عنوان عمل تلقی می شود به عبارت دیگر فلسفه اساس نظری تعلیم و تربیت و برنامه درسی است.
  - ۴- مفروضات متافیزیکی فلسفه بر تعیین اهداف و محتوای تربیتی برنامه های درسی تاثیر بیشتری دارد.
  - ۵- مفروضات معرفت شناسانه فلسفه بر تعریف یادگیری و تعیین روش آموزش و یادگیری در برنامه ها بیشترین تاثیر را دارد.
  - ۶- مفروضات ارزش شناسی فلسفه بر مشخص ساختن ماهیت ارزشها و منبع ارزشها و چگونگی یادگیری و آموزش ارزشها تاثیر تعیین کننده ای دارد.
  - ۷- فلسفه های تربیتی موجود بنحوی در مکاتب فلسفی عمده ریشه دارد.
- برنامه ریز درسی یا مربی برای سازماندهی دقیق فعالیت ها و تجربیات یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در فراگیران، نیاز به شناخت و آگاهی از مکاتب فلسفی و فلسفه های تربیتی مختلف و بررسی نقطه نظرات تربیتی آنها درباره اهداف، روشها و محتوا دارد که اینها مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی را تشکیل می دهند. بنابراین مربیان باید به تمام اصول و قواعد و کلیات فلسفی آشنا بوده تا بتوانند تمام فعالیتهای تربیتی را با به فلسفه ارتباط داده و دانش آموزان به آن آگاه باشند.





# جنبه‌های فلسفی برنامه درسی

□ نخست باید به این مسئله توجه کنیم که چه ابعادی از برنامه درسی جنبه فلسفی دارد و به عبارت دیگر، تأثیر دیدگاه‌های فلسفی و لایه‌های نظری عمیق در چه بخش‌هایی از برنامه درسی آشکار می‌شود. در واقع، این تأثیر بسیار بلند دامنه است، به طوری که می‌توان گفت در هر یک از اجزای برنامه درسی و نیز در کل ساختار و چارچوب آن، تأثیر دیدگاه‌های زیرساز فلسفی را می‌توان ملاحظه کرد. البته این سخن بدان معنا نیست که برنامه درسی تنها تحت تأثیر زیرساخت‌های فلسفی است، زیرا هر یک از انواع مبانی برنامه درسی مانند مبانی روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و نظیر آن، تأثیرهایی متناسب با خود بر برنامه درسی باقی می‌گذارند. بلکه مراد آن است که تأثیر مبانی فلسفی، به نوبه خود، بسیار دامن‌گستر است و رد پای آن را در هر یک از اجزای برنامه درسی می‌توان ملاحظه کرد.

□ ارنستاین و هانکینز (۱۹۸۸) در فصلی از کتاب که به بررسی مبانی فلسفی برنامه درسی اختصاص یافته، با اشاره به تأثیر مبانی فلسفی بر برنامه درسی اظهار کرده‌اند که فلسفه چارچوبی را فراهم می‌آورد که در قالب آن می‌توان از اهداف تعلیم و تربیت، محتوا و سازمان، فرایند آموزش و یادگیری و به طور کلی همه تجارب مورد تأکید در مدرسه، به نحوی خاص و متناسب با فلسفه زیرساز سخن گفت. به نظر آنان، فلسفه همچنین برخی اصول را در اختیار ما می‌گذارد که به کمک آن‌ها می‌توانیم در مورد وظایف خاص مطرح در برنامه درسی تصمیم‌گیری کنیم، مانند اینکه چه فعالیت‌های عقلانی یا کتب درسی را به کار بگیریم، بر چه مواد درسی بیشتر تأکید کنیم، چه نوع تکالیفی به دانش‌آموزان بدهیم و چه دیدگاهی در ارزشیابی داشته باشیم.

□ این تأثیر گسترده مبانی فلسفی بر برنامه درسی را در اجزائی که میلر (۱۳۸۲) برای رویکردهای اساسی در برنامه درسی لحاظ کرده نیز می‌توان ملاحظه کرد. وی رویکرد اساسی را مشتمل بر موارد زیر می‌داند: آرمان‌های تربیتی، تلقی نسبت به یادگیرنده، تلقی نسبت به فرایند یادگیری، تلقی نسبت به آموزشی، تلقی نسبت به محیط یادگیری، نقش معلم، و تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته‌ها.



# جنبه‌های فلسفی برنامه درسی

□ آنچه میلر در نظر دارد این است که زیرساخت‌های فلسفی و نظری، تأثیر خود را در عرصه‌های هدف‌های اساسی برنامه درسی، گستره نقش شاگرد، اصول حاکم بر یادگیری، فرایند آموزش، سازماندهی محیط یادگیری، گستره نقش معلم، و معیارهای ارزشیابی آشکار می‌سازند. هم دیدگاه‌های سنتی فلسفه و هم دیدگاه‌های معاصر در فلسفه، همگی دلالت‌هایی در خصوص برنامه درسی و ابعاد نظری و عملی آن داشته‌اند.

□ از همان آغاز تکوین تلاش‌های منظم فلسفی، یعنی از زمان افلاطون، رابطه‌ای میان نوع و ویژگی‌های نگرش فلسفی با مسائل عرصه برنامه درسی وجود داشته است. افلاطون با رویکرد خاص فلسفی خود، سلسله مراتبی برای دانش‌های مختلف در نظر گرفت. از نظر وی بالاترین سطح دانش، فلسفه و دانش دیالکتیک است زیرا با ایده‌ها یا جوهر چیزها سروکار دارد. سپس، ریاضیات به سبب انتزاعی بودن، در مرتبه بعدی است. شعر و درام و به طور کلی ادبیات در مرتبه‌ای فروتر قرار دارند زیرا در آن‌ها خیال ورزی جریان دارد. علوم تجربی در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند زیرا با فرضیه و حدس در قلمرو محسوسات سروکار دارند. مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیز در سطح بسیار نازلی قرار دارند، به طوری که افلاطون، مفهوم تعلیم و تربیت را درباره آن‌ها به کار نمی‌برد.

□ در برنامه درسی مورد نظر افلاطون، موسیقی، حکایت و داستان‌های مربوط به خدایان، مناسب دوران کودکی است. در سنین جوانی، موسیقی، نجوم و حساب و هندسه آموزش داده می‌شود. بالاترین سطح دانش، یعنی فلسفه، در میان‌سالی آموخته می‌شود و در تربیت حاکمان جامعه باید آموختن چنین دانشی مورد نظر باشد.



# جنبه‌های فلسفی برنامه درسی

□ آنچه میلر در نظر دارد این است که زیرساخت‌های فلسفی و نظری، تأثیر خود را در عرصه‌های هدف‌های اساسی برنامه درسی، گستره نقش شاگرد، اصول حاکم بر یادگیری، فرایند آموزش، سازماندهی محیط یادگیری، گستره نقش معلم، و معیارهای ارزشیابی آشکار می‌سازند. هم دیدگاه‌های سنتی فلسفه و هم دیدگاه‌های معاصر در فلسفه، همگی دلالت‌هایی در خصوص برنامه درسی و ابعاد نظری و عملی آن داشته‌اند.

□ از همان آغاز تکوین تلاش‌های منظم فلسفی، یعنی از زمان افلاطون، رابطه‌ای میان نوع و ویژگی‌های نگرش فلسفی با مسائل عرصه برنامه درسی وجود داشته است. افلاطون با رویکرد خاص فلسفی خود، سلسله مراتبی برای دانش‌های مختلف در نظر گرفت. از نظر وی بالاترین سطح دانش، فلسفه و دانش دیالکتیک است زیرا با ایده‌ها یا جوهر چیزها سروکار دارد. سپس، ریاضیات به سبب انتزاعی بودن، در مرتبه بعدی است. شعر و درام و به طور کلی ادبیات در مرتبه‌ای فروتر قرار دارند زیرا در آن‌ها خیال ورزی جریان دارد. علوم تجربی در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند زیرا با فرضیه و حدس در قلمرو محسوسات سروکار دارند. مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیز در سطح بسیار نازلی قرار دارند، به طوری که افلاطون، مفهوم تعلیم و تربیت را درباره آن‌ها به کار نمی‌برد.

□ در برنامه درسی مورد نظر افلاطون، موسیقی، حکایت و داستان‌های مربوط به خدایان، مناسب دوران کودکی است. در سنین جوانی، موسیقی، نجوم و حساب و هندسه آموزش داده می‌شود. بالاترین سطح دانش، یعنی فلسفه، در میان‌سالی آموخته می‌شود و در تربیت حاکمان جامعه باید آموختن چنین دانشی مورد نظر باشد.





# فلسفه تربیت در ج ۱۱ و تحقق معلم پژوهنده

## فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و تحقق «معلم پژوهنده»

- فرشته آل حسینی\*
- سید مهدی سجادی\*\*
- علیرضا صادق زاده\*\*\*
- محمود مهر محمدی\*\*\*\*

### چکیده:

هدف این مقاله، نشان دادن «محدودیت‌های فلسفه تربیت اسلامی» برای تحقق مطلوب خود، چون «معلم پژوهنده» است. این محدودیت‌ها در مواجهه با فلسفه عملی بر ما آشکار خواهند شد. در حال حاضر، فلسفه تربیت اسلامی، معطوف به تربیت اسلامی است به عنوان یک آرمان است. تربیت اسلامی، به عنوان یک آرمان، عمارت منطقی باشکوهی است که همه اجزا و عناصر آن باید مطلوب باشد، از جمله معلم. اما، مطلوبیت حرفه‌ای معلم در گرو مطلوبیت عملکرد او در موقعیت‌های عملی، سلامت استدلال‌ها و کیفیت انتخاب‌ها و تصمیماتش است. فرض بر آن است که با غلبه مفاهیم مدرن عامل (به عنوان مجری)، نظریه (به عنوان نظریه نظریه پرداز) و عمل (به عنوان کاربرد نظریه) بر فهم کنونی ما، فلسفه تربیت اسلامی با یک مانع جدی برای تحقق مطلوب خود، یعنی عامل تربیت اسلامی مواجه است و به لحاظ نظری، نمی‌تواند به طور موجه از آن دفاع کند؛ و به لحاظ عملی با محدودیت‌هایی برای تحقق آن مواجه است.

فلسفه تربیت اسلامی؛ فلسفه عملی؛ نظریه؛ عمل؛ عامل.

کلید واژه‌ها:



دکتر  
عبادی

# چیستی و چگونگی فلسفه ورزشی و پیامدهای آن در فرایند تدریس معلمان

## چیستی و چگونگی فلسفه ورزشی و پیامدهای آن در فرایند تدریس معلمان

مراد یاری دهنوی<sup>۱</sup>، مجتبی پورکرمی هاوشکی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۱

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تبیین چیستی و چگونگی فلسفه ورزشی و پیامدهای آن در فرایند تدریس معلمان می باشد. برای دستیابی به این هدف، نخست ضمن تبیین ویژگی های حرفه معلمی، نیازمندی او به ژرف اندیشی و فلسفه ورزشی مورد تأکید قرار گرفت. سپس تلاش شد با فراهم آوردن زمینه ای برای نزدیکی به فهم چیستی فلسفه، مؤلفه های فلسفه ورزشی از جمله تحریر یا شگفت زدگی، تردید منطقی یا شک روشمند، پرسشگری، وابستگی تاریخی، استدلال ورزشی، نقادی، تحلیل فلسفی، فراخ اندیشی یا گشودگی، خیال ورزشی و نظریه پردازی یا نگاهی تحلیلی و ترکیبی مورد بازشناسی و تبیین قرار گیرند. در پایان، نقش و پیامد این مؤلفه ها در فرایند یاددهی - یادگیری معلمان در عمل مشخص شد. به طور کلی، براساس نتایج حاصل از این پژوهش، به نظر می رسد معلمان برخوردار از توانایی فلسفه ورزشی بتوانند در جامعه دانایی محور امروز، نقش و رسالت معلمی خود را به مراتب بهتر انجام دهند.

**واژه های کلیدی:** فلسفه، فلسفه ورزشی، معلمان، فرایند تدریس



# نقد دیدگاه پست مدرنیسم در برنامه درسی با شاخص های مبانی فلسفی تربیت اسلامی

در سال‌های اخیر بحث‌های متعددی پیرامون جایگزین شدن دیدگاه پست مدرن به عنوان نوعی تفکر و نگاهی فرهنگی - اجتماعی به مسائل و باورهای انسان‌ها با دیدگاه مدرنیسم در موضوعات مختلف در جریان است. عرصه تعلیم و تربیت به شکل عام و برنامه درسی به شکل خاص نیز درگیر این جریان شده است. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های مبانی فلسفه پست مدرنیسم در برنامه درسی و نقد این مبانی با شاخص‌های مبانی فلسفی تربیت اسلامی صورت گرفته است. پژوهش حاضر از نوع اسنادی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مبانی فلسفه برنامه درسی پست مدرن در اصول هستی‌شناختی بر عدم اعتقاد به ماورای طبیعت؛ در اصول انسان‌شناختی بر شکل‌گیری جوهر انسان از طریق روابط اجتماعی، تاریخی و فرهنگی؛ در اصول معرفت‌شناختی بر رد عقلانیت، فطرت، وحی و حاکمیت زبان به عنوان محور آگاهی؛ در اصول ارزش‌شناختی بر محوریت فرد و نسبی بودن اصول جهانشمول؛ و در اصول زیبایی‌شناختی بر معیار ذهنی زیبایی و دوری از فهم ظاهری و غور در باطن تجارب هنری استوار است. در مقابل مبانی فلسفی تربیت اسلامی در اصول هستی‌شناختی معتقد به حقیقت ماورای طبیعی (خداوند)؛ در اصول انسان‌شناختی بر اعتقاد به متکی بودن وجود حقیقی انسان بر روح؛ در اصول معرفت‌شناختی بر قابل وصول بودن معرفت؛ در اصول ارزش‌شناختی بر تکیه بر قرآن و مبانی دین اسلام و ارزش‌های ثابت و متغیر؛ و در اصول زیبایی‌شناختی بر گرایش ذاتی انسان به زیبایی و عینی و ذهنی بودن زیبایی‌ها استوار است. در مجموع نقد مبانی فلسفی پارادایم پست مدرنیسم از منظر مبانی فلسفی تربیت اسلامی نشان می‌دهد که حذف فراوایت‌ها و اصول جهانشمول، عقلانیت، فطرت، وحی و مرکزیت زدایی از انسان در این فلسفه (اصولی که جزو شاکله هویتی فلسفه تربیت اسلامی به سوی حیات پاک محسوب می‌شود) با هدف دستیابی به چارچوبی که مروج چندگانگی، نسبی‌گرایی، نیهلیسم و غیره باشد، صورت گرفته است.

**واژگان اصلی:** برنامه درسی، پست مدرن، تربیت اسلامی، مبانی فلسفی.

نقد دیدگاه پست مدرنیسم در برنامه‌درسی با شاخص‌های مبانی فلسفی تربیت اسلامی

حسن ملکی<sup>۱</sup>، رضوان حکیم‌زاده<sup>۲</sup>، سیدعلی خالقی نژاد<sup>۳</sup>

دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی (۱)، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۳۱-۱۰۱

فصلنامه علمی سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی



دکتر  
عبادی

# فلسفه برنامه درسی آموزش عالی... برای فلسفه ورزشی

برنامه درسی و برنامه درسی آموزش عالی همانند سایر رشته‌های علمی دارای فلسفه‌ای است. به صورت مختلفی می‌توان فلسفه برنامه درسی آموزش عالی را مورد بررسی قرار داد. مثلاً می‌توان به سؤالات متافیزیکی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی رو کرد و پرسید که پاسخ‌های ارائه شده به پرسش ماهیت واقعیت، چگونگی و چه بخشی از برنامه درسی آموزش عالی را متأثر می‌سازد و اینکه واقعیت عینی است، ذهنی است یا عینی ذهنی است، چگونه موضوعات درسی و رشته‌های علمی در آموزش عالی را شکل می‌بخشد؟ برای نمونه گفته می‌شود که دوگانه دانستن واقعیت، موجب شده است که بخشی از آموزش عالی نظری و محض تلقی شود و بخش دیگر آن عملی و کاربردی. سؤالات دیگری نظیر پرسش از بنیادها، اهداف، ماهیت روش‌ها و ماهیت استادی و شاگردی... نیز قابل طرح است و گاه ممکن است کندوکاو در پاسخ‌هایی باشد که فلاسفه در طول تاریخ فلسفه در مورد ماهیت برنامه درسی آموزش عالی پرسیده‌اند و اینها مکتوب شده و در قالب یک شاخه دانش درآمده‌اند. این مقاله که در دو بخش تنظیم شده، قصد دارد با روش دیالکتیک با خود و مفهوم‌یابی از تجارب، برای بخش اول و روش مطالعه اسناد و مدارک برای بخش دوم، فلسفه برنامه‌های درسی آموزش عالی را مورد بررسی قرار دهد.

■ واژگان کلیدی:

فلسفه برنامه درسی، فلسفه آموزش عالی، فلسفه ورزشی در آموزش عالی، فلسفه برنامه درسی آموزش عالی، ایده دانشگاه.

## فلسفه برنامه درسی آموزش عالی

پیشنهاد چهارچوبی برای فلسفه ورزشی

یحیی قاندي

دانشیار دانشگاه خوارزمی

yahyaghaedy@yahoo.com



دکتر  
عبادی



# بررسی مولفه‌های نظام آموزشی ایران و مکتب فلسفی ایده‌آلیسم

## بررسی مولفه‌های نظام آموزشی ایران و مکتب فلسفی ایده‌آلیسم (مطالعه کیفی)

عبادته جاسمی: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت (تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش)، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

سید احمد هاشمی: عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

چکیده: هدف از پژوهش حاضر بررسی مولفه‌های نظام آموزشی ایران و مکتب فلسفی ایده‌آلیسم بود. پژوهش حاضر از نظر روش قیاسی بود و جامعه آماری شامل تئوری‌ها، نظریات، تحقیقات، کتاب‌ها و به صورت کلی کلیه اسنادی بود که در زمینه موضوع پژوهش نگاشته شده و تدوین شده‌اند، بود. روش گردآوری داده‌های تحقیق در این پژوهش استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه یا کارشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت نظام آموزشی ایران و مکاتب فلسفی ایده‌آلیسم بود. در این پژوهش با استفاده از کدگذاری، ابتدا با استفاده از کدهای باز تئوری‌ها، نظریات، تحقیقات و کتاب‌ها و به صورت کلی کلیه اسنادی که در زمینه موضوع پژوهش نگاشته شده را جمع‌آوری نموده سپس به صورت محوری و گزینشی تحلیل شد. تدبیررسی‌ها نشان داد که هدف تربیت در مکتب فلسفی ایده‌آلیسم سازگاری یا آماده ساختن فرد برای زندگی موفق در محیط بوده و در نظام آموزشی ایران هدف‌های تربیتی به دو دسته کلی اهداف کلی و غایی تقسیم می‌شوند که شامل عبادت یا عبودیت، تقوی، رشد و هدایت، طهارت و حیات طیبه و پرورش روح عدالت‌خواهی و اقامه قسط، استقلال و عزت جامعه اسلامی، برادری و همکاری و تعاون پرورش روح اجتماعی، دوستی یا ملل دیگر، تزکیه و تهذیب یا پرورش شخصیت اخلاقی است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، نظام آموزشی ایران، مکتب فلسفی ایده‌آلیسم.



دکتر  
عبادی

# ارائه الگویی نظری در برنامه درسی آموزش حرفه ای براساس فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

## ارائه الگویی نظری در برنامه درسی آموزش حرفه ای براساس فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر سمیرا حیدری\*

دکتر خسرو باقری نوع پرست\*\*

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش ارائه الگویی نظری در برنامه درسی آموزش حرفه‌ای براساس فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش کیفی از نوع تحلیلی - استنتاجی است؛ بدین معنا که براساس الگوی استنتاجی فرانکتا از قرار گرفتن اهداف و مبنایی در کنار هم اصولی استخراج شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری است. جامعه تحلیلی این پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی در ایران و کلیه منابع موجود در زمینه آموزش حرفه‌ای است. نمونه‌گیری از این جامعه به‌طور هدفمند براساس عناصر برنامه درسی آموزش حرفه‌ای صورت گرفته است. روش تحلیل داده‌ها دسته‌بندی، کدگذاری و تفسیر بوده که به‌طور مستمر و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شده است. یافته‌های حاصله حاکی از این است که اهداف آموزش حرفه‌ای عبارتند از: پاک‌ی، سلامت، قوت جسمانی، دانش کسب مهارت و پیش‌نسبت به حرفه‌ها و ارتقای روحیه مشارکت‌پذیری در حین آموزش حرفه‌ای. علاوه بر این برخی اصول مستخرج از الگوی نظری در بخش «محتوا» عبارتند از ارتقای درک و فهم در مورد اصول ایمنی در کار و حرفه، ارتباط محتوا با موضوع مورد مطالعه، توأم کردن شواهد و دلایل حاکی از مطابقت علم با عالم واقع در باب علوم زمینه‌های حرفه‌ها، کاوش در ابعاد تاریخی و اجتماعی حرفه‌ها، ارتباط محتوا با نیازهای حرفه‌ای آینده شاگردان، لحاظ کردن جنبه‌های دانش، مهارت و بالاخره پیش‌نسبت به کار و حرفه. در بخش «یادگیری» نیز این اصول عبارتند از: ایجاد زمینه‌های فرضیه‌پروری، تعامل یادگیرندگان با یکدیگر و دارا بودن فضل در کمک به همسالان. در بخش «یاددهی» این اصول عبارتند از: پیدایش عمل ماهرانه و تحول در پیش‌نسبت به حرفه، تذکر مضامین اسلامی در زمینه کار و حرفه، ایجاد زمینه‌های مناسب در حین آموزش



دکتر  
عبادی

# تحلیل مبانی فلسفی برنامه درسی معنوی

Archive of SID

دوره ۸، شماره ۱۵  
پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
صص: ۲۱۱-۱۹۱

مقاله پژوهشی  
دوفصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام  
دانشگاه امام صادق(ع) - پردیس خاوران

## تحلیل مبانی فلسفی مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی در دوره ابتدایی و متوسطه مرزبان ادیب‌متمش<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل و تبیین مبانی فلسفی مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی در دوره ابتدایی و متوسطه و تحلیل آن براساس نظرات اساتید حوزه برنامه درسی معنوی انجام شده است. روش این پژوهش کیفی، از نوع پدیدارشناسی است. شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ده نفر از اساتید حوزه برنامه درسی معنوی بودند که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و داده‌های به‌دست آمده با استفاده از روش مقوله‌بندی و کدگذاری موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برنامه درسی معنوی در دوره ابتدایی و متوسطه با تأکید بر زوایای معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی شامل هفت بعد اصلی اخلاق، اعتقاد به ماوراءالطبیعه، تعقل‌گرایی، زیبایی‌شناسی، انسان‌گرایی، طبیعت‌دوستی و کل‌نگری و ۴۰ مؤلفه در زمینه برنامه درسی معنوی است. یافته‌ها نشان داد که گنجاندن معنویت در قالب برنامه‌های درسی مراکز آموزشی به همراه تعامل این مراکز با سایر نهادهای اجتماعی شرایط لازم را برای پرورش اخلاقی و عقلانی متریان فراهم می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** دوره ابتدایی و متوسطه، مبانی فلسفی، برنامه درسی معنوی



دکتر  
عبادی

# تحلیل مبانی فلسفی برنامه درسی معنوی

Archive of SID

دوره ۸، شماره ۱۵  
پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
صص: ۲۱۱-۱۹۱

مقاله پژوهشی  
دوفصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام  
دانشگاه امام صادق(ع) - پردیس خاوران

## تحلیل مبانی فلسفی مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی در دوره ابتدایی و متوسطه مرزبان ادیب‌متمش<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل و تبیین مبانی فلسفی مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی در دوره ابتدایی و متوسطه و تحلیل آن براساس نظرات اساتید حوزه برنامه درسی معنوی انجام شده است. روش این پژوهش کیفی، از نوع پدیدارشناسی است. شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ده نفر از اساتید حوزه برنامه درسی معنوی بودند که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و داده‌های به‌دست آمده با استفاده از روش مقوله‌بندی و کدگذاری موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برنامه درسی معنوی در دوره ابتدایی و متوسطه با تأکید بر زوایای معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی شامل هفت بعد اصلی اخلاق، اعتقاد به ماوراءالطبیعه، تعقل‌گرایی، زیبایی‌شناسی، انسان‌گرایی، طبیعت‌دوستی و کل‌نگری و ۴۰ مؤلفه در زمینه برنامه درسی معنوی است. یافته‌ها نشان داد که گنجاندن معنویت در قالب برنامه‌های درسی مراکز آموزشی به همراه تعامل این مراکز با سایر نهادهای اجتماعی شرایط لازم را برای پرورش اخلاقی و عقلانی متریان فراهم می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** دوره ابتدایی و متوسطه، مبانی فلسفی، برنامه درسی معنوی



دکتر  
عبادی



# مبانی معرفت شناسی تعلیم و تربیت چند فرهنگی

## چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مبانی معرفت شناسی تعلیم و تربیت چندفرهنگی، به روش کیفی از نوع پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی، انجام گرفت. حوزه پژوهش شامل کتاب‌ها، مجلات و نوشته‌های مرتبط با موضوع پژوهش بود که جهت نمونه‌گیری تیز به علت کثرت منابع در این حوزه از مکتوبات چاپی و دیجیتالی که برای محقق قابل دسترسی بود، استفاده شد. در این پژوهش جهت گردآوری اطلاعات از نمونه فیش‌هایی که به وسیله پژوهشگر طراحی شده بود استفاده گردید. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش به شیوه تحلیل مفهوم، تفسیر مفهوم و استخراج نظری بود. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که دو ریشه و مبنای فلسفی عمده تعلیم و تربیت چندفرهنگی عبارتند از: پست مدرنیسم و نظریه انتقادی. بر اساس نتایج تحقیق مبانی معرفت شناسی تعلیم و تربیت چندفرهنگی عبارت بود از: اعتقاد به نسبییت گرایی، رد هرگونه حقیقت ثابت (مطلق) و در مقابل اعتقاد به حقایق محلی مبتنی بر مشاهدات عمومی مردم یا قراردادهای روش شناختی و پژوهشی عالمان و دانشمندان، رد دانش عینی یا عینیت گرایی و به جای آن قبولی نظریه ذهنیت متقابل؛ تفی قطعیت‌ها و جزم اندیشی‌های پوزیتیویستی در حوزه روش شناسی متدولوژی علمی؛ تفی مرزبندی‌های تصنعی میان رشته‌های دانش بشری و به جای آن طرفداری از رویکرد میان رشته ای در علوم.

پژوهش در برنامه ریزی درسی

سال نوزدهم، دوره دوم، شماره ۲۰ (پیاپی ۳۲)

زمستان ۱۳۹۴، صفحات ۱۵ - ۱

**مبانی معرفت شناسی تعلیم و تربیت  
چند فرهنگی**



دکتر  
عبادی

# بررسی مبانی فلسفی و روان شناختی برنامه های درسی انسان گرا و جایگاه این برنامه در نظام اسلامی

ابوالفضل غفاری<sup>۲</sup>

ملیحه رجائی<sup>۳</sup>

## چکیده

این مقاله به بررسی مبانی فلسفی و روان شناختی برنامه های درسی انسان گرا می پردازد. روش پژوهش تحلیل استعلایی است. پس از بررسی آرا و نظریات برنامه ریزان درسی برجسته انسان گرا (نظیر گزدا، پرکی، واینستاین و سیمون وراث) مشخص شد که ایشان از لحاظ فلسفی تحت تأثیر فلاسفه وجودگرا و از لحاظ روان شناختی تحت تأثیر روان شناسان انسان گرا بوده اند. همچنین به این نتیجه رسیدیم که وجه اشتراک فلاسفه وجودگرا، روان شناسان انسان گرا و برنامه ریزان درسی انسان گرا اهمیت و ارزشی است که برای انسان، آزادی و خودآگاهی و مسئول بودن او قائل هستند. رویکرد انسان گرایی به تکریم انسان و تأکید بر اختیار و آزادی او برای رشد و شکوفایی پرداخته است که در این موارد مطابق با دیدگاه اسلامی است. ولی به دلیل ترک ولایت خداوند و اصالت دادن به انسان دنیوی در تضاد با فرهنگ اسلامی است. با این حال، توجه به این نوع رویکرد در برنامه درسی کشورهای اسلامی به دلیل تأکیدی که بر منزلت انسان و انتخابها و آگاهی های او دارد، با در نظر گرفتن ملاحظات، قابلیت هایی برای گنجاندن آموزه های آن در برنامه درسی دارد.

## واژگان کلیدی

انسان گرایی، برنامه درسی، اگزستانسیالیسم، اسلام



[ دکتر  
عبادی ]

# تبیین ماهیت برنامه درسی روئیدنی و استنتاج دلالت‌های آن در برنامه درسی

## چکیده

مقدمه: برنامه آموزشی و تربیتی به‌عنوان محور فعالیت تربیتی، برای دوره حساس کودکی از اهمیت و ظرافت خاصی برخوردار است. دو نوع نگاه بر طراحی برنامه درسی حاکم است که نقش متغیر و پذیرنده به متری می‌دهد یا نقش فعال و عامل برای او قائل است، لذا پرداختن به ماهیت هر برنامه اولین و مهمترین بخش برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. برنامه درسی روئیدنی به‌عنوان برنامه‌ای که به علائق کودک احترام می‌گذارد و مبتنی بر نیازهای کودک طراحی می‌شود محسوب می‌شود.

روش: هدف پژوهش تبیین ماهیت برنامه درسی روئیدنی و استنتاج دلالت‌های برنامه درسی مرتبط با آن است. برای این منظور با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی از نوع تفسیر مفهوم که یکی از روش‌های رویکرد کیفی است، در ابتدا مبانی فلسفی این برنامه مورد بررسی قرار گرفت، سپس با ریشه‌شناسی و بررسی واژه روئیدنی و استخراج حوزه‌های معنایی مترادف و متضاد آن و نیز تحلیل مفهوم برنامه درسی از پیش تعریف شده، به تبیین ماهیت برنامه درسی روئیدنی پرداخته شد. نمونه‌گیری مورداستفاده در این پژوهش از نوع هدفمند است؛ چراکه به بررسی استنادی پرداخته می‌شود که در فهم مسائل پژوهش و پدیده محوری مطالعه مؤثر هستند، لذا به جستجوی ۲۵۰ سند معتبر ملی و بین‌المللی (ازجمله کتب، مقالات، دایره المعارف‌ها و...) در حوزه برنامه درسی روئیدنی و نظریه نوح‌خاسته‌گرایی پرداخته شد، سپس ۸۰ سند که در نشریات علمی پژوهشی معتبر به چاپ رسیده بودند مورداستفاده و فیش‌برداری قرار گرفتند، سپس براساس نظرات متخصصان برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت، اعتبار آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که برنامه درسی روئیدنی به‌صورت پدیده‌ای منقطع، پویا و مارپیچ چندبعدی با سطح مقطع‌های متفاوت ظهور می‌کند به‌طوری‌که کاملاً بدیع بوده و دائماً در حال توسعه و تحول است. این برنامه توانایی اثرگذاری روی اجزاء درگیر در برنامه ازجمله یادگیرنده، مربی و محتوا را دارا است، به‌گونه‌ای که خود مربی در طی فرآیند این برنامه یاد می‌گیرد. همچنین آگاهی و یادگیری نیز پدیده‌ای غیرمنتظره و غیرقابل‌پیش‌بینی هستند؛ یعنی چیزی افزون بر دانش مجموع اجزاء سیستم درگیر در فرآیند یادگیری است.

بحث و نتیجه‌گیری: در رابطه با مبانی فلسفی این برنامه از حیث هستی‌شناختی یعنی مکب نوح‌خاسته‌گرایی نتایج کاملاً بدیعی در رابطه با یادگیری و آگاهی حاصل شد که برخی از آن‌ها را می‌توان در پژوهش جوئر و نیو، استیسی، نیو و کوچران یافت ولی شیوه دریافت اطلاعات آن‌ها استنتاج از مبانی نبوده است.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه درسی روئیدنی، تحلیل مفهوم، نوح‌خاسته‌گرایی، سازنده‌گرایی.

## پژوهش‌های آموزش و یادگیری

دوره ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۲  
پائیز و زمستان ۹۹  
صص: ۱۳۵-۱۱۷

نوگس جدا<sup>۱</sup>، مرجان کیان<sup>۲</sup>، علی حسینی‌خواه<sup>۳</sup>، مهدی سبحانی‌نژاد<sup>۴</sup>

۱. دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.



دکتر  
عبادی

# مبانی فلسفی برنامه درسی و نقش آن در آموزش ابتدایی

## مبانی فلسفی برنامه درسی و نقش آن در آموزش ابتدایی

نویسندگان:

سمیه قانعی<sup>۱</sup> و هادی پورشافعی<sup>۲</sup>

### چکیده

سال‌هایی که کودک در دبستان به تعلیم و تربیت می‌پردازد یکی از مهم‌ترین دوران تحصیلی او به حساب می‌آید دوران ابتدایی در رشد و پرورش فضایل اخلاقی، پرورش استعدادها و دانش آموزان، ایجاد مهارت‌های اساسی در زمینه خواندن، نوشتن و آشنایی دانش‌آموزان با زندگی جمعی خارج از خانواده و آشنایی آن‌ها به اطاعت از قانون نقش مهمی بازی می‌کند. فلسفه، مبنای مهمی برای برنامه‌ریزی درسی است زیرا به طرق مختلف بر اهداف، مقاصد، محتوا و سازمان برنامه درسی تأثیر گذاشته و تعلیم و تربیت، عملکرد معلمان و کارکنان آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت و نقش فلسفه در تدوین برنامه درسی شامل: الف) تنظیم اهداف و مقاصد تربیتی؛ ب) انتخاب و سازماندهی دانش؛ ج) تنظیم فعالیت‌ها و انتخاب روش‌ها و راهبردهای آموزشی؛ د) تحلیل کلمات، واژه‌ها و مفاهیم آموزشی می‌شود. ظهور فلسفه‌های تربیتی مختلف دیدگاه معلمان و برنامه‌ریزان و میزان خودآگاهی آنان را نسبت به طراحی و اجرای برنامه توسعه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: «فلسفه»، «برنامه درسی»، «آموزش ابتدایی»، «مبانی فلسفه».



دکتر  
عبادی